

هوشمندسازی نظام مالیاتی و تأثیر آن بر افزایش درآمدهای مالیاتی و توسعه اقتصادی

نرجس اکبری

دانشجوی دکتری حسابداری، واحد تهران شمال - دانشگاه آزاد اسلامی - تهران، ایران

عارفه محقق

استادیار گروه حسابداری، واحد تهران شمال - دانشگاه آزاد اسلامی - تهران، ایران

رضا زیاری

استادیار گروه حسابداری، واحد تهران شمال - دانشگاه آزاد اسلامی - تهران، ایران

سمانه قدسی

استادیار گروه ریاضی، واحد سمنان - دانشگاه آزاد اسلامی - سمنان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰

چکیده

هوشمندسازی نظام مالیاتی یکی از راهکارهای مؤثر در افزایش درآمدهای مالیاتی و توسعه اقتصادی به شمار می‌رود. در این پژوهش، با استفاده از روش کیفی داده‌بنیاد، هوشمندسازی نظام مالیاتی و تأثیر آن بر افزایش درآمدهای مالیاتی و توسعه اقتصادی استفاده شده است. داده‌های تحقیق از طریق مصاحبه با چهارده نفر از اساتید و خبرگان نظام مالیاتی کشور با حداقل ۱۵ سال سابقه کاری و مدرک کارشناسی‌ارشد و دکتری گردآوری شد. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد که ده مقوله اصلی در این حوزه شناسایی شده و در قالب شش بعد ساختاری تنظیم گردیده است: سیاست‌گذاری مناسب مالیاتی و هوشمندسازی مالیاتی به عنوان «شرایط علی»، فرهنگ مالیاتی به عنوان «شرایط مداخله‌گر»، سهم بالای اقتصاد زیرزمینی به عنوان «شرایط زمینه‌ای»، کاهش هزینه وصول، عدالت مالیاتی و تمکین مالیاتی به عنوان «بعد تعاملی»، کاهش فرار مالیاتی به عنوان «پدیده محوری» و افزایش درآمد مالیاتی و توسعه اقتصادی به عنوان «بعد پیامدی». همچنین، یافته‌ها نشان داد که متغیرهای سیاست‌گذاری مناسب مالیاتی، هوشمندسازی مالیاتی و فرهنگ مالیاتی بیشترین تأثیر را بر بهبود عملکرد نظام مالیاتی دارند. این پژوهش تأکید دارد که به‌کارگیری سیستم‌های هوشمند در فرآیندهای مالیاتی می‌تواند منجر به کاهش فرار مالیاتی، افزایش تمکین مالیاتی و در نهایت توسعه اقتصادی پایدار شود.

واژه‌های کلیدی: هوشمندسازی مالیاتی، فرار مالیاتی، کشف هوشمند، توسعه اقتصادی، سیاست‌گذاری مالیاتی.

۱- مقدمه

در دنیای امروز، مالیات به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی دولت‌ها، نقشی کلیدی در ثبات اقتصادی و توسعه کشورها ایفا می‌کند. دولت‌ها از طریق سیاست‌های مالیاتی می‌توانند به اهدافی همچون توزیع عادلانه درآمد، کاهش شکاف طبقاتی، کنترل تورم، کاهش بیکاری و رونق اقتصادی دست یابند (Ruzgas et al., 2023). یکی از چالش‌های اساسی در نظام مالیاتی، فرار مالیاتی است که سالانه میلیاردها دلار از درآمدهای دولتی را کاهش داده و تأثیرات منفی بر عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی دارد (Hashemi, Etemadi, & Rezazadeh, 2022).

یکی از راهکارهای مؤثر برای مقابله با این معضل، هوشمندسازی نظام مالیاتی است. بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی، داده‌کاوی و سیستم‌های کشف هوشمند می‌تواند به شفافیت بیشتر اطلاعات مالیاتی، افزایش تمکین مالیاتی و کاهش تخلفات کمک کند (Xavier, Pires, Marques, & Soares, 2022). سازمان‌های مالیاتی از دو روش اصلی برای کشف تقلب مالیاتی استفاده می‌کنند: تجربه حسابرسان و سیستم‌های مبتنی بر قوانین. هرچند این روش‌های سنتی دارای محدودیت‌هایی مانند وابستگی به تجربیات گذشته و هزینه‌های بالای به‌روزرسانی هستند، اما استفاده از تکنیک‌های هوشمند و تحلیل کلان‌داده‌ها می‌تواند شناخت بهتری از روشهای فرار مالیاتی ارائه داده و دقت حسابرسی را افزایش دهد (Gaie, 2023).

اجرای یک نظام مالیاتی هوشمند مستلزم ایجاد زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مناسب است که از طریق آن بتوان سیستم‌های تحلیل داده را با ساختارهای مالیاتی یکپارچه کرد (Hashemi et al., 2022). این فرآیند نه تنها موجب کاهش هزینه‌های اجرایی دریافت مالیات می‌شود، بلکه رقابت اقتصادی سالم را تقویت کرده و شرایطی فراهم می‌کند که کسب‌وکارها در محیطی شفاف فعالیت کنند.

با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که روش مناسب برای کاهش فرار مالیاتی با استفاده از سیستم‌های کشف هوشمند و توسعه اقتصادی چیست؟ هدف این تحقیق، ارائه راهکاری کاربردی است که بتواند به بهبود تمکین مالیاتی، افزایش درآمدهای دولت و در نهایت توسعه اقتصادی پایدار منجر شود.

۲- مبانی نظری

فرار مالیاتی موضوع مهمی برای دولت‌ها در سراسر جهان است. اگر فرار وجود نداشت، بار مالیاتی در بسیاری کشورها تقریباً ۳۰٪ کاهش می‌یافت بدون اینکه درآمد کاهش یابد. ابزارهای محاسباتی هوشمند می‌توانند با پیش‌بینی اقدامات فرار مالیاتی، بهره‌وری سازمان‌های مالیاتی را هم در بازایی درآمد و هم در اقدامات پیشگیرانه افزایش دهند (Murorunkwere, Tuyishimire, Haughton, & Nzabanita, 2022). نظارت و کنترل مالیات دهندگان یک ابزار حسابرسی مالیاتی است که توسط مدیران مالیاتی در بسیاری از کشورهای جهان استفاده می‌شود تا اطمینان حاصل شود که مالیات دهندگان به تعهدات مالیاتی خود عمل می‌کنند. مدیران مالیاتی اغلب از منابع محدودی برای بهبود مدیریت عملکرد، افزایش کارایی عملیاتی، بهبود مدیریت مالیاتی و کاهش شیوع اقتصاد پنهان استفاده می‌کنند (Ogunwole, Adebayo, & Jimoh, 2023). یکی از دلایل اصلی فرار مالیاتی، نقص در روش‌های شناسایی و پیگیری مودیان مالیاتی است. سیستم‌های کنونی که اغلب مبتنی بر روش‌های سنتی حسابرسی و نظارت هستند، نمی‌توانند به‌طور دقیق و به‌موقع افراد یا شرکت‌هایی را که درگیر فرار مالیاتی هستند، شناسایی کنند. علاوه بر این، پیچیدگی‌های قانونی و گستردگی معافیت‌های مالیاتی نیز امکان سوءاستفاده را برای برخی از مودیان فراهم می‌آورد (Nuryani, Mutiara, Wiryana, Purnamasari, & Putra, 2024). در این راستا، استفاده از تکنولوژی‌های نوین به‌ویژه سیستم‌های کشف هوشمند می‌تواند به بهبود فرایندهای شناسایی و کاهش فرار مالیاتی کمک کند. سیستم‌های کشف هوشمند از تکنیک‌های هوش مصنوعی، داده‌کاوی، یادگیری ماشین و تحلیل‌های پیشرفته برای بررسی داده‌های مالیاتی و رفتارهای مشکوک مودیان استفاده می‌کنند. این سیستم‌ها قادرند الگوهای پنهانی از رفتارهای مالیاتی غیرمجاز را شناسایی کرده و با سرعت و دقت بیشتری نسبت به روش‌های سنتی اقدام به کشف موارد تخلف کنند (Nembe et al., 2024). در مورد کاهش فرار مالیاتی با استفاده از سیستم کشف هوشمند، چندین نظریه مطرح شده است:

نظریه کشف الگوهای پنهان: این نظریه بیان می‌کند که با استفاده از سیستم‌های کشف هوشمند، امکان شناسایی الگوهای پنهانی که در رفتارهای مالیاتی مودیان وجود دارد، فراهم می‌شود. این الگوها به‌طور معمول در داده‌های بزرگ و پیچیده‌ای که از تعاملات مالی، درآمدها و هزینه‌ها به‌دست می‌آیند، قرار

¹ Hidden Pattern Detection Theory

نظریه شبکه‌های عصبی مصنوعی^۴ : شبکه‌های عصبی مصنوعی یکی از ابزارهای پیشرفته هوش مصنوعی هستند که بر اساس معماری مغز انسان کار می‌کنند و می‌توانند از داده‌های مالیاتی و اقتصادی برای یادگیری الگوهای مختلف استفاده کنند. این نظریه پیشنهاد می‌کند که با استفاده از شبکه‌های عصبی، سیستم‌های کشف هوشمند می‌توانند به‌طور مداوم یادگیری کرده و خود را برای شناسایی بهتر موارد فرار مالیاتی تطبیق دهند. شبکه‌های عصبی می‌توانند به‌طور مداوم روش‌های فرار مالیاتی را یاد گرفته و بهبود ببخشند، به‌طوری‌که با شناسایی اولیه رفتارهای مالیاتی، به‌صورت خودکار دقت تشخیص خود را افزایش دهند. این روش به سیستم‌های کشف هوشمند امکان می‌دهد که با گذر زمان و افزایش داده‌ها، کارایی بیشتری پیدا کرده و عملکردشان بهبود یابد (Shi et al., 2023).

نظریه نظارت مستمر^۵ : این نظریه بر اهمیت نظارت پیوسته بر فعالیت‌های مالی و اقتصادی مودیان تأکید دارد. سیستم‌های کشف هوشمند می‌توانند به‌صورت مداوم داده‌های مالیاتی را تحت نظارت قرار دهند و به‌محض مشاهده هرگونه تغییر غیرعادی در رفتار مودیان، هشدار دهند. این رویکرد می‌تواند از وقوع فرار مالیاتی در همان مراحل اولیه جلوگیری کند، چرا که سیستم به‌طور مداوم بر رفتارهای مالی مودیان نظارت دارد (Alsadhan, 2023).

نظریه شفافیت داده‌ها^۶ : بر اساس این نظریه، یکی از عوامل کلیدی در کاهش فرار مالیاتی، شفافیت بیشتر در داده‌های مالیاتی و اطلاعات مالی شرکت‌ها و مودیان است. سیستم‌های کشف هوشمند با استفاده از تکنیک‌های شفاف‌سازی داده‌ها می‌توانند اطمینان حاصل کنند که تمامی اطلاعات مالی به‌درستی و به‌طور کامل ارائه می‌شوند. شفافیت داده‌ها به کاهش امکان سوءاستفاده و جعل اطلاعات مالی کمک می‌کند و از این طریق به کاهش فرار مالیاتی می‌انجامد (Scientific & Technology, 2024).

این پژوهش به‌منظور شناسایی عوامل کلیدی در کاهش فرار مالیاتی با استفاده از سیستم‌های کشف هوشمند، از روش داده‌بنیاد بهره می‌برد. هدف این تحقیق، ارائه روشی جامع برای کاهش فرار مالیاتی است که می‌تواند به‌طور همزمان از دیدگاه علمی، پژوهشی و کاربردی اهمیت زیادی داشته باشد.

دارند. هوش مصنوعی می‌تواند به‌طور خودکار این الگوها را شناسایی کند و رفتارهای مشکوک را که به فرار مالیاتی منجر می‌شوند، کشف کند. این نظریه به این موضوع اشاره دارد که روش‌های سنتی حسابرسی مالیاتی معمولاً قادر به کشف این الگوهای پنهان نیستند و استفاده از تکنیک‌های نوین هوش مصنوعی می‌تواند کارایی و دقت نظارت‌های مالیاتی را افزایش دهد (Siraj, Sudaryono, Aryani, Setiawan, & Understanding, 2024).

نظریه تحلیل پیش‌بینانه^۱ : این نظریه مبتنی بر این فرض است که با استفاده از تحلیل‌های پیش‌بینانه می‌توان رفتارهای آینده مودیان مالیاتی را پیش‌بینی کرد. سیستم‌های کشف هوشمند با تجزیه و تحلیل داده‌های تاریخی و اعمال تکنیک‌های آماری و یادگیری ماشین، می‌توانند پیش‌بینی کنند که کدام مودیان احتمالاً به فرار مالیاتی روی می‌آورند. استفاده از این نظریه می‌تواند کمک کند که قبل از وقوع تخلف، از طریق اعمال نظارت‌های پیش‌دستانه، جلوی بسیاری از موارد فرار مالیاتی گرفته شود (Nuryani et al., 2024).

نظریه داده‌کاوی مالی^۲ : این نظریه بر استفاده از تکنیک‌های داده‌کاوی برای استخراج دانش از داده‌های بزرگ مالی تمرکز دارد. داده‌کاوی با استفاده از الگوریتم‌های پیچیده، می‌تواند روابط بین متغیرهای مختلف مالیاتی و رفتاری را کشف کرده و روش‌های جدیدی از فرار مالیاتی را مشخص کند. داده‌کاوی می‌تواند تراکنش‌های مالی پیچیده بین شرکت‌های مختلف را بررسی کرده و شبکه‌های مالی پنهانی که برای اجتناب از مالیات استفاده می‌شوند، شناسایی کند. این نظریه به‌طور ویژه برای تحلیل تراکنش‌های بزرگ و پیچیده مالی مناسب است، جایی که سیستم‌های سنتی قادر به شناسایی و ردیابی فرارهای مالیاتی نیستند (Nembe et al., 2024).

نظریه هوش مصنوعی و اتوماسیون^۳ : این نظریه به کارگیری سیستم‌های کاملاً اتوماتیک مبتنی بر هوش مصنوعی برای شناسایی، پیگیری و مقابله با موارد فرار مالیاتی را مطرح می‌کند. در این نظریه، هوش مصنوعی می‌تواند به‌طور خودکار، بدون دخالت انسانی، داده‌ها را پردازش و موارد مشکوک را شناسایی کند. در این نظریه، یک سیستم هوشمند به‌طور خودکار اطلاعات مالی و مالیاتی مودیان را بررسی کرده و مواردی که به نظر غیرعادی هستند را به حسابرسان مالیاتی هشدار می‌دهد. این روش باعث کاهش نیاز به نیروی انسانی و افزایش کارایی و دقت فرایندهای حسابرسی مالیاتی می‌شود (Yalamati, 2024).

⁴ Artificial Neural Networks Theory

⁵ Continuous Monitoring Theory

⁶

¹ Predictive Analytics Theory

² Financial Data Mining Theory

³ Artificial Intelligence and Automation Theory

۳- پیشینه پژوهش

مجاهدی و بابازاده سنگر (۱۴۰۱) تحقیقی با عنوان به سوی تشخیص فرار مالیاتی با استفاده از الگوریتم بهبود یافته بهینه سازی صورت دادند. این مقاله از الگوریتم‌های یادگیری ماشینی برای تشخیص فرار مالیاتی و تجزیه و تحلیل داده‌های مالیاتی استفاده می‌کند. با توسعه مشاغل تجاری، الگوریتم‌های سنتی برای حل مشکل تشخیص فرار مالیاتی مناسب نیستند. از این رو، الگوریتم‌های دیگری با سرعت، دقت، تجزیه و تحلیل و تصمیم‌گیری داده‌های قابل قبول باید استفاده شود. در مورد ارزیابی دارایی‌ها و مالیات، ادغام مدل‌های یادگیری ماشین با الگوریتم‌های فراابتکاری دقت را به دلیل پارامترهای بهینه افزایش می‌دهد. در این مقاله از الگوریتم‌های یادگیری ماشینی هوشمند برای حل تشخیص فرار مالیاتی استفاده شده است. این تحقیق از الگوریتم بهبود یافته بهینه‌سازی (IPSO) برای بهبود شبکه عصبی پرسپترون چندلایه با یافتن وزن بهینه و بهبود طبقه‌بندی‌کننده‌های ماشین بردار پشتیبان (SVM) با پارامترهای بهینه استفاده می‌کند. سیستم پیشنهادی ما مجموعه داده‌های جمع‌آوری شده از اداره کل امور مالیاتی استان آذربایجان غربی را با ۱۵۰۰ نمونه برای مشکل تشخیص فرار مالیاتی اعمال می‌کند. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که مدل IPSO-MLP از میزان دقت بالاتری نسبت به مدل IPSO-SVM و رگرسیون لجستیک برخوردار است. علاوه بر این، مدل IPSO-MLP از دقت بالاتری نسبت به SVM، Naive Bayes، k-nearest همسایه، درخت تصمیم C5.0 و AdaBoost برخوردار است. دقت مدل‌های IPSO-SVM و IPSO-MLP به ترتیب ۹۳.۶۸٪ و ۹۲.۲۴٪ می‌باشد (Mojahedi, Babazadeh Sangar, & Masdari, 2022).

هاشمی و همکاران (۱۴۰۱) تحقیقی با عنوان مدل‌سازی پدیده فرار مالیاتی در مالیات بر ارزش افزوده با استفاده از نظریه بازی‌ها صورت دادند. مالیات‌ها بخش عمده‌ای از درآمدهای هر دولتی را تشکیل داده و یک منبع پایدار درآمدی را فراهم می‌کنند. در سال‌های اخیر تمرکز اصلی برنامه اصلاح نظام مالیاتی، تقریباً در همه کشورهای جهان، به مالیات بر ارزش افزوده معطوف شده است. اما یک مشکل بزرگ در اجرای مؤثر مالیات بر ارزش افزوده، که یک پایه مالیاتی نوپا در کشورهاست، پدیده فرار از پرداخت مالیات است. لذا یکی از اساسی‌ترین گام‌ها در پیشگیری از فرار مالیاتی در حوزه مالیات بر ارزش افزوده، شناخت دقیق تعاملات مالیاتی بین مودیان و سازمان مالیاتی بر اساس متغیرها و قوانین موجود است. از این رو در این پژوهش، برای نخستین بار پدیده فرار مالیاتی در حوزه مالیات بر ارزش افزوده با استفاده از ابزار نظریه بازی‌ها و بر مبنای مدل کورچن

در حوزه مالیات بر درآمد، مدل‌سازی شده و بر اساس تعاملات بین مودیان و سازمان مالیاتی تجزیه و تحلیل گردیده است. نتایج بدست آمده با تحلیل ریاضی مدل‌های توسعه یافته، حاکی از این است که با ادغام حسابرسی مالیات بر ارزش افزوده و حسابرسی مالیات بر درآمد، میزان فرار مالیاتی در حوزه مالیات بر ارزش افزوده کاهش خواهد یافت (Hashemi et al., 2022).

احمدی و همکاران (۱۴۰۰) تحقیقی با عنوان ارزیابی مدل‌های سنجش فرار مالیاتی از اقتصاد نئوکلاسیک تا اقتصاد رفتاری: رهیافت تحلیل سلسله‌مراتبی در اقتصاد ایران صورت دادند. مالیات به عنوان مهم‌ترین منبع درآمدی دولت‌ها و یکی از ابزارهای سیاستی در سیاستگذاری‌های توسعه نقش کلیدی ایفا می‌نماید. در این پژوهش، تکامل مدل‌های مختلف فرار مالیاتی از رویکرد نئوکلاسیک تا اقتصاد رفتاری و سیر تکاملی مدل‌ها و چالش‌ها و نتایج تجربی به دست آمده از این مدل‌ها مورد بررسی قرار گرفته و پیش‌فرض متغیرهای مؤثر بر فرار مالیاتی در هر یک از مدل‌ها استخراج و تحلیل شده است. سپس با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی با توجه به نظرات متخصصان حوزه مالیاتی عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در مدل‌های مختلف رتبه‌بندی می‌شود تا مشخص شود که مدل بهتر برای توضیح و سنجش عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی در ایران کدام است. نتایج نشان می‌دهد که عدم ثبات ترجیحات، زیان‌گریزی، و ابهام‌گریزی از عوامل اصلی تأثیرگذار بر فرار مالیاتی هستند. همچنین، پیش‌فرض رفتاری عقلایی و سازگاری رفتاری کم‌ترین درجه توضیح‌دهندگی فرار مالیاتی را در ایران دارد. بر اساس نتایج به دست آمده، در تحلیل و سنجش فرار مالیاتی در ایران نیاز به اصلاح پارادایم به سمت مدل‌های اقتصاد رفتاری است.

صامتی و همکاران (۱۴۰۰) تحقیقی با عنوان تعیین عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی با استفاده از روش فرا تحلیل صورت دادند. شناسایی عواملی که باعث به وجود آمدن فرار مالیاتی می‌شود، در پیشگیری از آن بسیار مؤثر است و کمک می‌کند تا بتوان میزان فرار مالیاتی موجود در جامعه را برآورد نمود. در سال‌های اخیر مطالعاتی در رابطه با علل فرار مالیاتی با رهیافت‌های متفاوت انجام شده است. در این مقاله با استفاده از روش فراتحلیل، عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی و همچنین شدت ارتباط آن‌ها با فرار مالیاتی برای کشور ایران مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهند که متغیرهای عوامل اقتصادی، درآمد سرانه، عوامل تکنولوژی، عوامل اجتماعی، عوامل قانونی، تورم، عوامل فرهنگی، محدودیت تجاری، بار مالیاتی، بیکاری و حجم دولت عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی می‌باشند و بیشترین شدت تأثیرگذاری را عوامل فرهنگی و کمترین شدت تأثیرگذاری را

گرفته می شود. برعکس، هرچه تبعیض کمتر باشد، فرار مالیاتی یک کار غیراخلاقی تلقی می شود. نرخ های مالیات تأثیری بر تصور دانشجویان از فرار مالیاتی ندارد، نرخ های مالیاتی بالا یا پایین تأثیری بر فرار مالیاتی نخواهد داشت. نظام مالیاتی بر درک دانشجویان از فرار مالیاتی تأثیر می گذارد، هر چه نظام مالیاتی بهتر باشد، فرار مالیاتی یک عمل غیراخلاقی تلقی می شود. برعکس، هر چه نظام مالیاتی کمتر باشد، فرار مالیاتی اخلاقی بیشتری در نظر گرفته می شود. تحریم های مالیاتی هیچ تأثیری بر تصور دانشجویان از فرار مالیاتی ندارد، تحریم های مالیاتی بالا یا پایین تأثیری بر فرار مالیاتی نخواهد داشت (Anggareni, Mujiyati, & Research, 2024).

روزگر و همکاران (۲۰۲۳) تحقیقی با عنوان کاهش تقلب مالیاتی با استفاده از تجزیه و تحلیل در یک کشور اروپای شرقی صورت دادند. هدف اصلی این مطالعه افزایش کارایی تشخیص فرار مالیاتی با استفاده از روش های داده کاوی در کشور اروپای شرقی لیتوانی، که دارای اقتصاد به سرعت در حال توسعه است، با استفاده از روش های داده کاوی در مورد اثرات مربوط به مالیات است. این مطالعه مدل های مختلفی را برای تقسیم بندی، ارزیابی ریسک، الگوهای رفتاری و کشف جرم مالیاتی ایجاد می کند. نتایج نشان می دهد که تکنیک داده کاوی می تواند به طور موثر فرار مالیاتی را تشخیص دهد و دانش پنهان را استخراج کند که می تواند برای کاهش زیان درآمد ناشی از فرار مالیاتی مورد استفاده قرار گیرد. روش ها، نرم افزار و یافته های این مطالعه می تواند به تصمیم گیرندگان، کارشناسان و دانشمندان کشورهای در حال توسعه در پیش بینی کشف تقلب مالیاتی کمک کند (Ruzgas et al., 2023).

اوگونوول و همکاران (۲۰۲۳) مطالعه ای تحت عنوان جریان های مالی غیرقانونی، صورت حساب های اشتباه تجاری و اجتناب مالیاتی چندملیتی: رویکرد اکتشافی انجام دادند. جریان های مالی غیرقانونی (IFF) مرتبط با فساد، فعالیت های مجرمانه و فرار مالیاتی منابع نگرانی فزاینده ای هستند. از اهداف توسعه پایدار (SDGs) یک هدف برای کاهش IFF ها است. در مورد چگونگی شناسایی جریان های غیرقانونی پول، و حتی در مورد چگونگی اندازه گیری آنها، در حال حاضر توافق روشنی وجود ندارد. یکی از قانع کننده ترین دلایل از منظر عملی برای انجام این تحقیق، این ایده است که «منطقه خاکستری» قابل توجهی وجود دارد که نشان دهنده عدم وجود مرزهای متمایز بین برنامه ریزی مالیاتی قانونی و فرار مالیاتی است. این اغلب با این تصور مرتبط است که شرکت های چند ملیتی بزرگ در حوزه هایی از عمل که قیمت گذاری انتقالی و صورت حساب اشتباه تجاری با هم تداخل دارند، در نقل و انتقالات مالی

درآمد سرانه بر فرار مالیاتی می گذارند. عوامل تأثیر گذار بر فرار مالیاتی به ترتیب بیشترین شدت تأثیرگذاری و ضریب همبستگی آنها عبارت اند از عوامل فرهنگی (۵۷۷/۰)، عوامل قانونی (۵۴۳/۰)، عوامل اجتماعی (۵۳۹/۰) و عوامل اقتصادی (۴۶۷/۰)، حجم دولت (۳۹۹/۰)، محدودیت تجاری (۳۹۲/۰)، تورم (۳۶۷/۰)، بیکاری (۳۵۷/۰)، بار مالیاتی (۲۴۱/۰)، عوامل تکنولوژی (۱۹۴/۰) و درآمد سرانه (۱۹۲/۰).

بانی مصطفی و همکاران (۲۰۲۴) تحقیقی با عنوان تأثیر کارایی دولت بر فرار مالیاتی: نقش میانجی اخلاق و کنترل فساد صورت دادند. این مطالعه با تکیه بر نظریه نهادی، با در نظر گرفتن نقش میانجی اخلاق و کنترل فساد، تأثیر کارایی سیاست دولت بر فرار مالیاتی را آزمایش می کند. منابع مختلف متغیرها ما را مجبور به انتخاب یک دوره زمانی مشترک از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۵ و همچنین یک لیست مشترک از ۱۳۸ کشور در نمونه کردند. نتایج نشان داد که کارآمدی سیاست دولت و اخلاق و کنترل فساد به تفکیک در کاهش فرار مالیاتی موثر است. علاوه بر این، کارایی دولت پیش بینی کننده مهمی برای اخلاق و کنترل فساد است. مرحله نهایی تحلیل ها وجود اثر میانجی گری کامل اخلاق و کنترل فساد بین کارایی دولت و فرار مالیاتی را ثابت کرد. به عبارت دیگر، اخلاق و کنترل فساد مکانیزمی است که از طریق آن کارآمدی دولت باعث کاهش فرار مالیاتی می شود. این مطالعه مفاهیم نظارتی و عملی را پیشنهاد می کند که عمدتاً برای بخش عمومی، مدیران و سیاستمداران است (Bani-Mustafa, Nimer, Uyar, & Schneider, 2024).

انگاری و موجیاتی (۲۰۲۴) تحقیقی با عنوان تأثیر درک مالیات، عدالت، تبعیض، نرخ های مالیاتی، سیستم های مالیاتی، تحریم های مالیاتی بر درک از فرار مالیاتی صورت دادند. این مطالعه با هدف تحلیل تأثیر درک مالیات، عدالت، تبعیض، نرخ مالیات، نظام مالیاتی، تحریم های مالیاتی بر درک از فرار مالیاتی انجام شده است. این روش تحقیق کمی است. روش گردآوری اطلاعات مورد استفاده محققین در این پژوهش، پرسشنامه بود. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان رشته حسابداری دانشگاه محمدیه سوراکارتا بودند. روش نمونه گیری در این پژوهش با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند بود. منبع داده مورد استفاده این محقق داده های اولیه است. تکنیک های تجزیه و تحلیل داده ها از طریق تجزیه و تحلیل آماری SPSS. نتایج این مطالعه این است که درک مالیاتی بر درک از فرار مالیاتی تأثیری ندارد، درک بالا یا پایین مالیات بر فرار مالیاتی تأثیری نخواهد داشت. فرار مالیاتی بر عدالت مالیاتی دارد. تبعیض بر درک دانشجویان از فرار مالیاتی تأثیر می گذارد، هر چه میزان تبعیض توسط دولت بیشتر باشد، فرار مالیاتی اخلاقی بیشتری در نظر

۵- یافته‌های پژوهش

این مطالعه براساس دیدگاه ۱۴ نفر از خبرگان حوزه مورد مطالعه انجام شده است. از نظر جنسیت ۹ نفر مرد هستند و ۵ نفر نیز زن می‌باشند. از نظر سنی ۱ نفر کمتر از ۴۰ سال سن دارند، ۶ نفر بین ۴۱ تا ۴۵ سال سن دارند و ۷ نفر نیز بالای ۴۵ سال هستند. از نظر تحصیلات ۴ نفر از خبرگان تحصیلات کارشناسی ارشد داشته و ۱۰ نفر دکتری دارند. در نهایت ۳ نفر بین ۱۰ تا ۲۰ سال سابقه کاری داشته و ۱۱ نفر نیز بالای ۲۰ سال تجربه کاری دارند.

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خبرگان

درصد	فراوانی	ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	
۶۴٪	۹	مرد	جنسیت
۳۶٪	۵	زن	
۷٪	۱	کمتر از ۴۰ سال	سن
۴۳٪	۶	۴۱ تا ۴۵ سال	
۵۰٪	۷	۴۵ سال و بیشتر	تحصیلات
۲۹٪	۴	کارشناسی ارشد	
۷۱٪	۱۰	دکتری	سابقه کاری
۲۱۵٪	۳	۱۰ تا ۲۰ سال	
۷۸۵٪	۱۱	بالای ۲۰ سال	
۱۰۰٪	۱۴	کل	

برای پژوهش در زمینه هوشمندسازی نظام مالیاتی و تأثیر آن بر افزایش درآمدهای مالیاتی و توسعه اقتصادی، مصاحبه‌های تخصصی نیم‌ساخت‌یافته با خبرگان صورت گرفته است. در این مرحله پیش از شروع مصاحبه هشت سوال باز در نظر گرفته شده است و در طول فرایند مصاحبه این پیش‌بینی در نظر گرفته شده است که سوالات جدیدی نیز مطرح شود. برای اینکه پژوهشگر با عمق و گستره محتوایی داده‌ها آشنا شود اقدام به بازخوانی مکرر داده‌ها و خواندن داده‌ها به صورت فعال (جستجوی معانی و روش‌ها) گردیده است.

نتایج مصاحبه‌ها با روش داده بنیاد مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای این منظور متن مصاحبه‌ها چندین بار مطالعه و مرور شد. برای انجام پژوهش داده بنیاد از «رهیافت نظام مند» که به نام اثر استراوس و کوربین (۱۹۹۸) شناخته می‌شود، استفاده شده است.

با انجام مصاحبه از طریق نمونه گیری نظری پس از کدگذاری اولیه متن مصاحبه‌ها، استخراج مفاهیم و مقوله‌ها انجام شده است. متن مصاحبه‌ها، ۳۶۱۵۹ کلمه و ۷۲۰۱ کلمه

غیرقانونی شرکت می‌کنند. این مطالعه نگرانی‌های تعریفی و برآوردهای صورت‌حساب نادرست تجارت را بررسی می‌کند تا مشخص کند که آیا این رفتارها و مشکلات، مشابه یا غیرمشابه هستند. این مطالعه نشان می‌دهد که جمع کردن رفتار قانونی و غیرقانونی تحت یک اصطلاح واحد منجر به ابهام و از بین رفتن وضوح می‌شود (Ogunwole et al., 2023).

پژوهش حاضر با هدف کاهش فرار مالیاتی از طریق سیستم کشف هوشمند، با بهره‌گیری از روش تحقیق کیفی داده‌بنیاد، به تحلیل عوامل مؤثر بر کاهش فرار مالیاتی در ایران پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که چندین عامل کلیدی در فرایند کاهش فرار مالیاتی نقش دارند، از جمله سیاست‌گذاری‌های مالیاتی، هوشمندسازی فرآیندهای مالیاتی، فرهنگ مالیاتی، و برخورد با اقتصاد زیرزمینی. این عوامل به صورت سیستماتیک در مدل کشف هوشمند معرفی شده‌اند که می‌تواند به‌طور مؤثری بر کاهش فرار مالیاتی اثرگذار باشد.

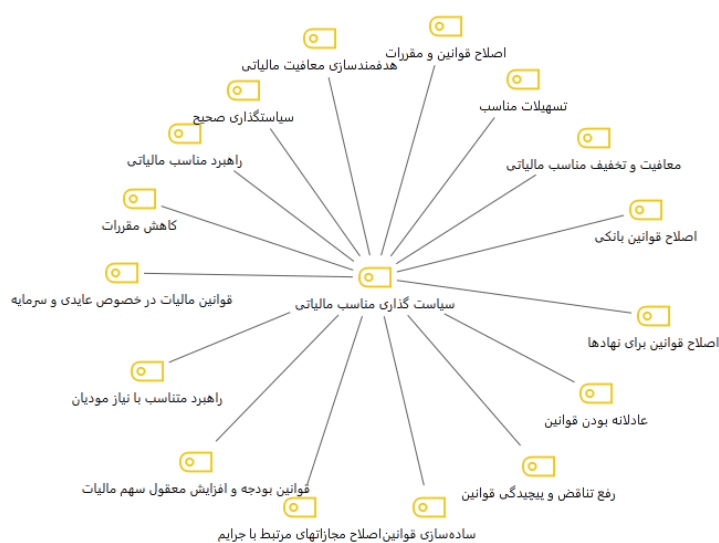
۴- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر جزء پژوهش‌های کیفی و بنیادی است. همچنین استراتژی پژوهش از لحاظ بعد کیفی، داده بنیاد است. این پژوهش از لحاظ پارادایمی؛ از بعد کیفی بر ساخت‌گرایی (تفسیری) است. همچنین پژوهش حاضر از جهت تعیین ویژگی‌های مؤثر، از نوع تحقیقات اکتشافی است. از نظر نوع داده‌ها، این کار، پژوهشی کیفی بوده است. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی اساتید و خبرگان نظام مالیاتی کشور و متخصصین امر با تجربه ۱۵ سال سابقه کاری و مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و بالاتر با توجه به تخصصی بودن موضوع بودند. حجم نمونه در مطالعاتی که با روش کیفی و مصاحبه انجام می‌شوند معمولاً بین ۵ تا ۲۵ نفر توصیه شده است (شفیعی و تات، ۱۳۹۹). همچنین برای نمونه‌گیری بخش کیفی از روش‌های غیراحتمالی و هدفمند و از فرآیند نمونه‌گیری نظری^۱ استفاده شده است. (محمدپور، ۱۳۹۲) استفاده شد و فرایند مصاحبه در تحلیل کیفی تا رسیدن به اشباع نظری ادامه پیدا کرد. برای این اساس ۱۴ نفر در بخش کیفی شرکت کردند. برای گردآوری داده‌های پژوهش از مصاحبه استفاده شده است. از آنجا که برای مطالعات کیفی که با هدف اکتشافی انجام می‌شوند مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته مناسب‌تر هستند، در این پژوهش نیز مصاحبه نیمه‌ساختارمند با خبرگان صورت گرفت. در بخش کیفی از روش داده بنیاد و برای انجام تحلیل از نرم‌افزار MaxQDA استفاده شد.

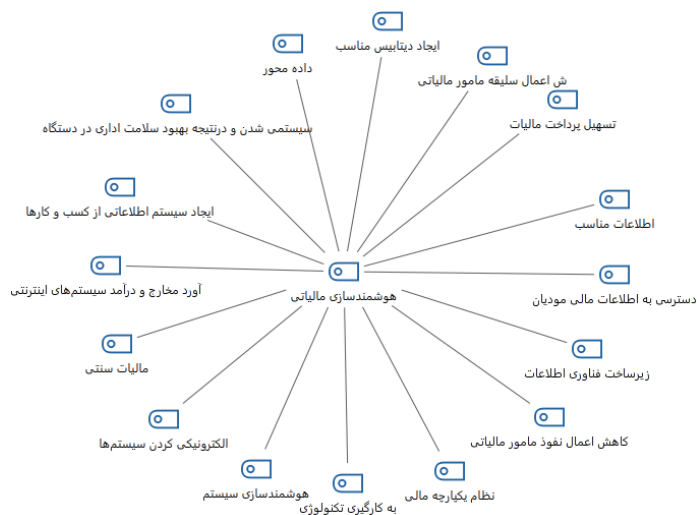
^۱ Theoretical sampling

مصاحبه چهاردهم، تغییری در مفاهیم و مقوله های شکل گرفته در طول پژوهش (از جمله ایجاد یا اصلاح) ایجاد نشده است، که به معنای تحقق معیار "کفایت نظری" است. کدهای باز با هم گروه بندی شدند و سپس کدهای متمرکز تدوین شدند. مفاهیم در قالب ۱۰ مقوله اصلی در کدگذاری متمرکز طبقه بندی شدند که در شکل های زیر که مربوط به نرم افزار maxqda است قابل مشاهده است.

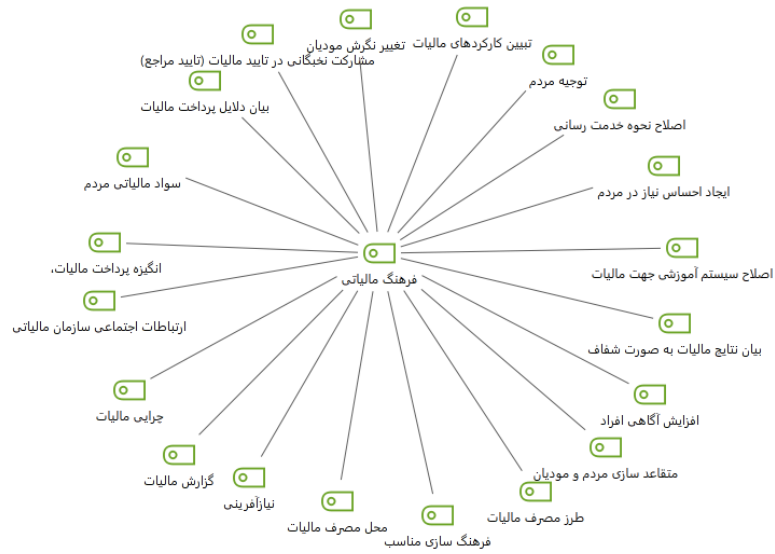
با حداقل ۳ کاراکتر بوده است. با انجام کدگذاری اولیه در کدگذاری باز در مجموع ۱۵۰۸ کد شناسایی گردید. که با غربالگری کدهای اولیه به ۱۰۵ مفهوم رسیدیم. در تحقیقات کیفی، معیار متوقف کردن روند مصاحبه و تحلیل آن دستیابی به "کفایت نظری" یا دستیابی به اشباع است. به عبارت دیگر، طولانی شدن تحقیقات منجر به تغییر در مفاهیم یا مقوله های ظهور یافته در طول پژوهش نمی شود. از اواخر سیزدهم تا پایان



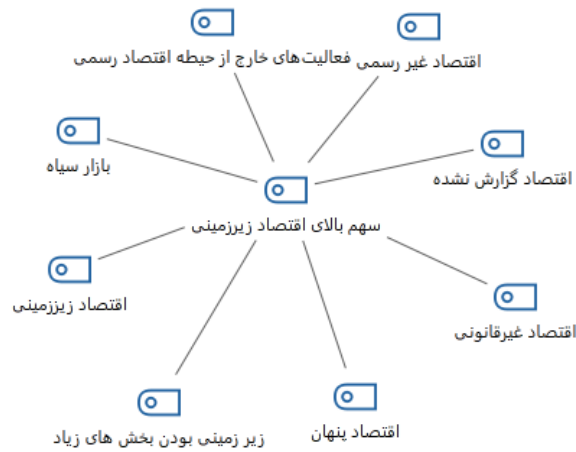
شکل ۱- مقوله سیاست گذاری مناسب مالیاتی



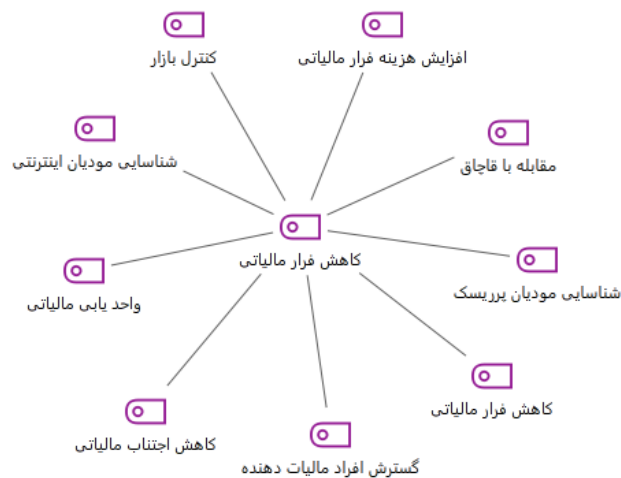
شکل ۲- مقوله هوشمندسازی مالیاتی



شکل ۳- مقوله فرهنگ مالیاتی



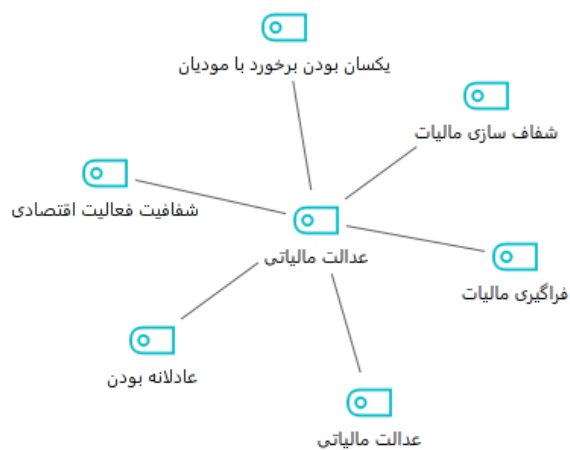
شکل ۴- مقوله سهم بالای اقتصاد زیرزمینی



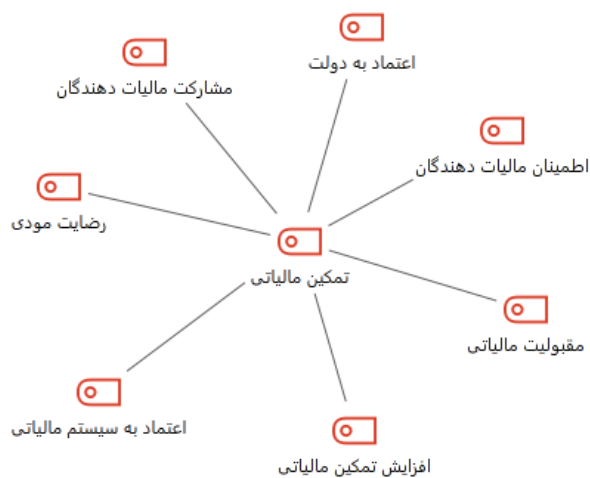
شکل ۵- مقوله کاهش فرار مالیاتی



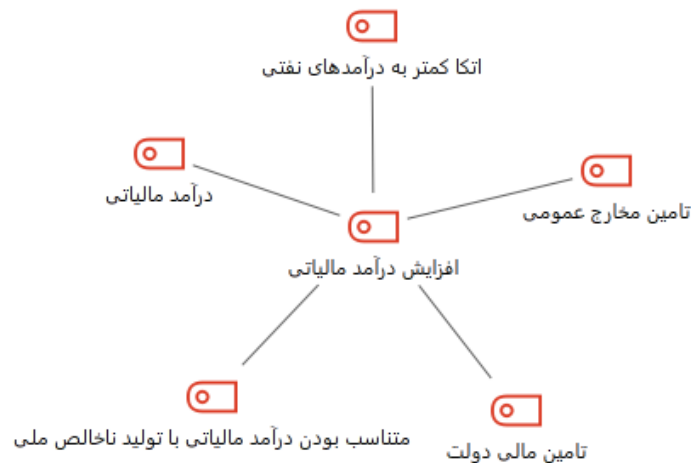
شکل ۶- مقوله کاهش هزینه وصول



شکل ۷ - مقوله عدالت مالیاتی



شکل ۸- مقوله تمکین مالیاتی



شکل ۹- مقوله افزایش درآمد مالیاتی



شکل ۱۰- مقوله توسعه اقتصادی

مفاهیم و مقوله‌های اصلی روش مستخرج از مصاحبه‌ها به روش داده بنیاد در جدول ۲ ارائه شده است:

جدول ۲- مفاهیم و مقوله‌های اصلی هوشمندسازی نظام مالیاتی و تأثیر آن بر افزایش درآمدهای مالیاتی و توسعه اقتصادی

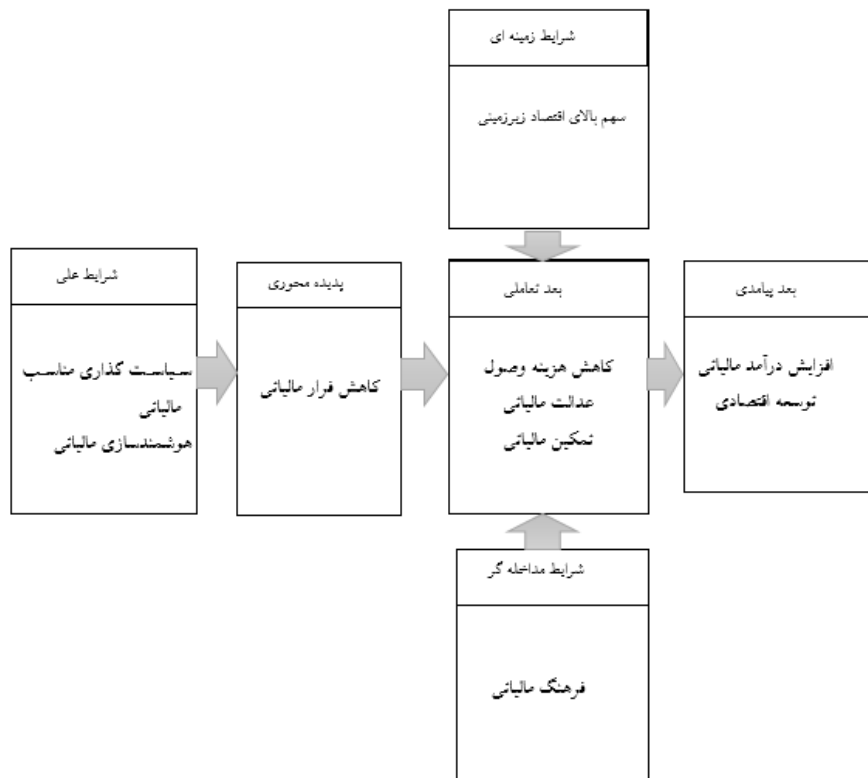
مقوله	مفهوم
سیاست گذاری مناسب مالیاتی	اصلاح قوانین و مقررات، هدفمندسازی معافیت مالیاتی، سیاستگذاری صحیح، راهبرد مناسب مالیاتی، قوانین مالیات در خصوص عایدی و سرمایه، قوانین بودجه و افزایش معقول سهم مالیات، اصلاح مجازاتهای مرتبط با جرایم، ساده‌سازی قوانین، رفع تناقض و پیچیدگی قوانین، عادلانه بودن قوانین، اصلاح قوانین برای نهادهای، اصلاح قوانین بانکی، معافیت و تخفیف مناسب مالیاتی، تسهیلات مناسب، کاهش مقررات، راهبرد متناسب با نیاز مودیان
هوشمندسازی مالیاتی	ایجاد دیتابیس مناسب، کاهش اعمال سلیقه مامور مالیاتی، اطلاعات مناسب، دسترسی به اطلاعات مالی مودیان، زیرساخت فناوری اطلاعات، کاهش اعمال نفوذ مامور مالیاتی، به کارگیری تکنولوژی،

مفهوم	مقوله
الکترونیکی کردن سیستم‌ها، مالیات سنتی، داده محوری سیستم، سیستمی شدن و در نتیجه بهبود سلامت اداری در دستگاه مالیات، ایجاد سیستم اطلاعاتی از کسب و کارها، برآورد مخارج و درآمد سیستم‌های اینترنتی، یکپارچه سازی دیتابیسها، نظام یکپارچه مالی، هوشمندسازی سیستم	
فرهنگ سازی مناسب، سواد مالیاتی مردم، متقاعد سازی مردم و مودیان، افزایش آگاهی افراد، بیان نتایج مالیات به صورت شفاف، اصلاح سیستم آموزشی جهت مالیات، بیان طرز مصرف مالیات، تغییر نگرش مودیان، انگیزه پرداخت مالیات، ارتباطات اجتماعی سازمان مالیاتی، چرایی مالیات، گزارش مالیات، نیاز آفرینی، محل مصرف مالیات، ایجاد احساس نیاز در مردم، توجیه مردم، تبیین کارکردهای مالیات، مشارکت نخبگانی در تایید مالیات (تایید مراجع)، بیان دلایل پرداخت مالیات، آموزش مودیان	فرهنگ مالیاتی
اقتصاد زیرزمینی، زیر زمینی بودن بخش های زیاد، اقتصاد پنهان، اقتصاد غیرقانونی، اقتصاد گزارش نشده، اقتصاد غیر رسمی، فعالیت‌های خارج از حیطه اقتصاد رسمی، بازار سیاه	سهم بالای اقتصاد زیرزمینی
واحد یابی مالیاتی، گسترش افراد مالیات دهنده، کنترل بازار، شناسایی مودیان اینترنتی، کاهش اجتناب مالیاتی، کاهش فرار مالیاتی، مقابله با قاچاق، افزایش هزینه فرار مالیاتی، شناسایی مودیان پرریسک	کاهش فرار مالیاتی
ساده سازی نحوه وصول مالیات، تسهیل پرداخت مالیات، مکانیزم ساده پرداخت، هزینه دستگاه وصول، افزایش کارایی نظام مالیاتی، صرفه جویی زمان، کم شدن کاغذبازی، تسهیل رسیدگی مالیاتی، زمان کمتر حسابرسی مالیاتی،	کاهش هزینه وصول
عادلان بودن، عدالت مالیاتی، فراگیری مالیات، شفاف سازی مالیات، یکسان بودن برخورد با مودیان، شفافیت فعالیت اقتصادی	عدالت مالیاتی
اعتماد به سیستم مالیاتی، افزایش تمکین مالیاتی، مقبولیت مالیاتی، اطمینان مالیات دهندگان، اعتماد به دولت، مشارکت مالیات دهندگان، رضایت مودی	تمکین مالیاتی
متناسب بودن درآمد مالیاتی با تولید ناخالص ملی، تامین مالی دولت، تامین مخارج عمومی، اتکا کمتر به درآمدهای نفتی، درآمد مالیاتی	افزایش درآمد مالیاتی
رشد و توسعه اقتصادی، توسعه عمومی، رفاه عمومی، اشتغال زایی، ارتقای سطح معیشت و اقتصاد مودیان، رفاه اجتماعی، تنظیم اقتصاد، ایجاد سرمایه، توزیع مجدد منابع،	توسعه اقتصادی

کدگذاری محوری به پایان رسیده تا در گام نهایی تحلیل، کدگذاری گزینشی و خلق نظریه و مدل نهایی انجام شود. در کدگذاری گزینشی مقوله هسته پژوهش کاهش فرار مالیاتی تشخیص داده شد. همچنین شکل روش پارادایمی حاصل از یافته های کیفی پژوهش در زیر آورده شده است:

سپس کدهای محوری با هم تنظیم شدند و ارتباط آنها با یکدیگر بوسیله روش مدلسازی ساختاری-تفسیری مشخص شد. این ماتریس توسط خبرگان و متخصصین فرآیند محوری تکمیل شد. اطلاعات حاصله بر اساس متد مدلسازی ساختاری تفسیری جمع بندی و ماتریس خودتعاملی ساختاری نهایی تشکیل گردیده است. در گروه بندی مقوله ها یک صورت بندی درباره بسترها، فرایندها و پیامدها و ارتباط بین مقوله‌های پژوهش انسجام می‌یابد که در این پژوهش بسترها، فرایندها و پیامدها به شرح زیر شناسایی شدند: بسترها مقوله‌های سیاست گذاری مناسب مالیاتی، هوشمندسازی مالیاتی، فرهنگ مالیاتی و سهم بالای اقتصاد زیرزمینی شناسایی گردیدند. همچنین فرایندها مقوله‌های کاهش هزینه وصول، عدالت مالیاتی و تمکین مالیاتی شناسایی شدند. پیامد مدل ارائه شده نیز، افزایش درآمد مالیاتی و توسعه اقتصادی شناسایی شدند.

پس از بررسی مقوله‌ها از جنبه‌های مختلف، و تعیین ارتباط بین مقوله‌ها در سطوح مختلف و مسیریابی شرطی، مرحله



شکل ۱۳- روش های پارادایمی

احمدی و همکاران (۱۴۰۰) و بانی مصطفی و همکاران (۲۰۲۴) و آنگارنی و موجیاتی (۲۰۲۴) به اهمیت سیاست گذاری مناسب مالیاتی اشاره شده و آن را در کاهش فرار مالیاتی موثر دانسته اند. هوشمندسازی مالیاتی به بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته و سیستم‌های اطلاعاتی برای نظارت دقیق‌تر بر فرآیندهای مالیاتی و شناسایی روش های غیرعادی اشاره دارد. روزگر و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهش خود به اهمیت هوشمندسازی مالیاتی اشاره داشته اند آن را از عوامل مهم در کاهش فرار مالیاتی دانسته اند.

فرهنگ مالیاتی به عنوان «شرایط مداخله گر» شناسایی شد. فرهنگ مالیاتی به میزان تعهد و آگاهی شهروندان و کسب‌وکارها نسبت به پرداخت مالیات و رعایت قوانین مالیاتی اشاره دارد. اگر فرهنگ مالیاتی در جامعه‌ای قوی باشد، تمایل به فرار مالیاتی کاهش می‌یابد. احمدی و همکاران (۱۴۰۰) و صامتی و همکاران (۱۴۰۰) و پرینز (۲۰۲۴) به اهمیت توجه به فرهنگ مالیاتی تاکید داشته اند.

سهم بالای اقتصاد زیرزمینی به عنوان «شرایط زمینه‌ای» شناسایی شد. اقتصاد زیرزمینی به فعالیت‌های اقتصادی اشاره دارد که خارج از نظارت قانونی و بدون گزارش به مراجع مالیاتی انجام می‌شوند. این فعالیت‌ها یکی از عوامل اصلی بروز فرار

۶- نتیجه گیری و بحث

در پژوهش حاضر سعی شده با بهره‌گیری از روش پژوهش کیفی داده‌بنیاد، پژوهش در زمینه هوشمندسازی نظام مالیاتی و تأثیر آن بر افزایش درآمدهای مالیاتی و توسعه اقتصادی اقدام شود. هدف اصلی این پژوهش هوشمندسازی نظام مالیاتی و تأثیر آن بر افزایش درآمدهای مالیاتی و توسعه اقتصادی می‌باشد و اهداف فرعی پژوهش: شناسایی عوامل موثر بر کاهش فرار مالیاتی با استفاده از سیستم کشف هوشمند؛ شناسایی بستر مورد نیاز شامل شرایط علی، شرایط مداخله‌گر و شرایط زمینه‌ای کاهش فرار مالیاتی با استفاده از سیستم کشف هوشمند؛ شناسایی بعد تعاملی مرتبط با کاهش فرار مالیاتی با استفاده از سیستم کشف هوشمند؛ شناسایی پیامدهای کاهش فرار مالیاتی با استفاده از سیستم کشف هوشمند است. در بخش کیفی تعداد ۱۰ مقوله اصلی براساس مدل پارادایمی شناسایی شده که در قالب شش بعد ساختاردهی شده است:

سیاست گذاری مناسب مالیاتی و هوشمندسازی مالیاتی به عنوان «شرایط علی» شناسایی شدند. سیاست‌گذاری مناسب مالیاتی شامل تدوین قوانین و مقرراتی است که به وضوح و عدالت در نظام مالیاتی منجر شود و از پیچیدگی‌های غیرضروری که ممکن است به فرار مالیاتی دامن بزند، پرهیز کند. در پژوهش

دولت و مخارج جاری آن می‌شود. در نتیجه، دولت با تأخیری در دریافت منابع مالیاتی مواجه شده و این عدم توازن، یکی از عوامل اصلی ایجاد کسری بودجه است. از آنجایی که تورم سالانه افزایش می‌یابد، درآمدهای مالیاتی که با تأخیر وصول می‌شوند، ارزش واقعی خود را از دست داده و توان تأمین هزینه‌های جاری دولت را کاهش می‌دهند. در حالی که در بسیاری از کشورهای پیشرفته مانند کشورهای اروپایی و آمریکایی، مالیات در همان لحظه‌ای که مبادلات مالی انجام می‌شوند، دریافت می‌شود. این روش چندین مزیت مهم دارد: اول اینکه زیرساخت لازم برای هوشمندسازی نظام مالیاتی فراهم می‌شود و فرآیند نظارت و وصول مالیات با دقت و شفافیت بیشتری صورت می‌گیرد. دوم، از ایجاد شرکت‌های کاغذی که با هدف فرار مالیاتی انجام می‌شوند، جلوگیری می‌شود. سوم، اظهارنامه‌های مالیاتی تنها به دو هدف اصلی محدود خواهند شد: یا برای درخواست استرداد مالیات اضافه پرداخت‌شده، یا برای رعایت الزامات قانونی و شفافیت مالی. این مدل باعث کاهش تخلفات مالیاتی و افزایش میزان تمکین مؤدیان خواهد شد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هوشمندسازی نظام مالیاتی می‌تواند به‌عنوان راهکاری مؤثر در بهبود فرآیندهای مالیاتی و کاهش مشکلات مربوط به وصول درآمدهای مالیاتی نقش ایفا کند. استفاده از فناوری‌های پیشرفته برای رصد و شناسایی فرارهای مالیاتی، نه تنها باعث افزایش میزان درآمدهای دولت می‌شود، بلکه از بی‌نظمی‌های مربوط به پرداخت‌های مالیاتی و شکاف‌های مالی در بودجه جلوگیری می‌کند.

یکی دیگر از عوامل کلیدی که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفت، تأثیر سیاست‌گذاری‌های مالیاتی بر کاهش فرار مالیاتی بود. تدوین قوانین مالیاتی شفاف و عادلانه، همراه با نظارت دقیق، می‌تواند مانع از دور زدن قوانین توسط برخی مؤدیان شود. در صورتی که سیستم مالیاتی از پیچیدگی‌های غیرضروری دوری کند و فرآیندهای وصول مالیات ساده و کارآمد شوند، انگیزه فرار مالیاتی نیز کاهش خواهد یافت.

علاوه بر این، فرهنگ مالیاتی به‌عنوان یک عامل مداخله‌گر نقش مهمی در میزان تمکین مالیاتی دارد. در جوامعی که مردم نسبت به پرداخت مالیات آگاهی بیشتری دارند و پرداخت مالیات را وظیفه‌ای اجتماعی می‌دانند، فرار مالیاتی به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد. بنابراین، آموزش و فرهنگ‌سازی در زمینه اهمیت مالیات و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی، می‌تواند نقش مؤثری در افزایش تمکین مالیاتی ایفا کند.

از سوی دیگر، یکی از چالش‌های جدی که بر کاهش اثربخشی نظام مالیاتی تأثیر دارد، سهم بالای اقتصاد زیرزمینی است. بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی خارج از نظارت مالیاتی

مالیاتی هستند. صامتی و همکاران (۱۴۰۰) و اوگونول و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهش خود به این متغیر اشاره داشته‌اند. کاهش هزینه وصول، عدالت مالیاتی و تمکین مالیاتی به عنوان «بعد تعاملی» شناسایی شدند.

یکی از چالش‌های مهم در سیستم مالیاتی سنتی، هزینه‌های بالای وصول مالیات است. استفاده از سیستم‌های هوشمند در کاهش فرار مالیاتی می‌تواند باعث کاهش این هزینه‌ها شود. با اتوماسیون و هوشمندسازی فرآیندهای شناسایی و وصول مالیات، نیاز به نیروی انسانی کاهش یافته و بهره‌وری در این حوزه افزایش می‌یابد. مجاهدی و بابازاده سنگر (۱۴۰۱) و بانی مصطفی و همکاران (۲۰۲۴) در تحقیق خود به کاهش هزینه وصول با سیستم هوشمند مالیاتی اشاره داشته‌اند. عدالت مالیاتی به توزیع عادلانه بار مالیاتی میان شهروندان و کسب‌وکارها مربوط می‌شود. عدالت مالیاتی به معنای توزیع منصفانه بار مالیاتی میان مودیان است. یکی از اهداف سیستم‌های کشف هوشمند، ایجاد عدالت در دریافت مالیات است. این سیستم‌ها به شناسایی مودیانی که فرار مالیاتی انجام می‌دهند کمک می‌کنند، به طوری که افرادی که به درستی مالیات خود را پرداخت می‌کنند، در معرض فشارهای مالی اضافی قرار نگیرند. احمدی و همکاران (۱۴۰۰) و آنگاری و موجیاتی (۲۰۲۴) به اهمیت این متغیر اشاره داشته‌اند.

تمکین مالیاتی به رعایت کامل و به موقع قوانین و مقررات مالیاتی توسط مؤدیان اشاره دارد. سیستم‌های کشف هوشمند با افزایش دقت در شناسایی و نظارت بر فعالیت‌های مالی مودیان، میزان تمکین مالیاتی را افزایش می‌دهند. هاشمی و همکاران (۱۴۰۱) و آنگاری و موجیاتی (۲۰۲۴) به اهمیت عدالت مالیاتی تاکید داشته‌اند.

کاهش فرار مالیاتی به عنوان «پدیده محوری» شناسایی شد. فرار مالیاتی به معنای عدم پرداخت قانونی مالیات توسط مؤدیان است که می‌تواند به دلیل گزارش نادرست درآمدها، هزینه‌های تقلبی، یا عدم اعلام فعالیت‌های اقتصادی رخ دهد. سیستم‌های کشف هوشمند با استفاده از ابزارهای تحلیلی و هوش مصنوعی، رفتارهای مالیاتی مشکوک را شناسایی و به‌طور مؤثری فرار مالیاتی را کاهش می‌دهند. در تحقیق مجاهدی و بابازاده سنگر (۱۴۰۱)، بانی مصطفی و همکاران (۲۰۲۴)، احمدی و همکاران (۱۴۰۰)، هاشمی و همکاران (۱۴۰۱) و آنگاری و موجیاتی (۲۰۲۴) بر اهمیت کاهش فرار مالیاتی تاکید شده است.

یکی از مشکلات اساسی در نظام مالیاتی ایران این است که مالیات مربوط به سال‌های گذشته در سال جاری پرداخت می‌شود. این مسئله باعث ناهماهنگی میان وصولی‌های مالیاتی

- آموزش کارکنان: آموزش و توانمندسازی کارکنان مالیاتی برای استفاده مؤثر از ابزارها و سیستم‌های هوشمند.

فرهنگ مالیاتی

- برگزاری کمپین‌های آموزشی: افزایش آگاهی عمومی از اهمیت پرداخت مالیات از طریق کمپین‌های آموزشی و تبلیغاتی.
- ترویج فرهنگ تمکین مالیاتی: تشویق و قدردانی از مودیانی که به تعهدات مالیاتی خود عمل می‌کنند، می‌تواند سایر افراد را به پرداخت مالیات تشویق کند.
- تعامل با جامعه: افزایش تعامل بین سازمان‌های مالیاتی و جامعه برای درک بهتر از نیازها و نگرانی‌های مالیاتی افراد.

سهم بالای اقتصاد زیرزمینی

- مبارزه با اقتصاد غیررسمی: اجرای برنامه‌های جامع برای کاهش اندازه اقتصاد زیرزمینی از طریق نظارت و پیگیری‌های دقیق.
- تشویق به ثبت رسمی کسب‌وکارها: ایجاد مشوق‌هایی برای کسب‌وکارها جهت ثبت رسمی و ورود به اقتصاد رسمی.
- افزایش نظارت: تقویت نظارت و کنترل بر فعالیتهای اقتصادی غیررسمی به منظور شناسایی و کاهش آن‌ها.

کاهش فرار مالیاتی

- افزایش شفافیت مالیاتی: ایجاد شفافیت در فرآیندهای مالیاتی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای شناسایی موارد فرار مالیاتی.
- تقویت نظارت و کنترل: ایجاد سازوکارهای قوی برای نظارت و کنترل بر فعالیتهای مالی مودیان جهت کاهش فرار مالیاتی.
- تشدید جریمه‌ها و مجازات‌ها: اعمال جریمه‌های سنگین و مجازات‌های مؤثر برای جلوگیری از فرار مالیاتی.

کاهش هزینه وصول

- بهره‌وری از تکنولوژی‌های نوین: استفاده از سیستم‌های اتوماسیون و هوشمندسازی برای کاهش هزینه‌های جمع‌آوری و مدیریت مالیات.
- تمرکز بر فرآیندهای کارآمد: بازبینی فرآیندهای موجود و حذف مراحل غیرضروری که باعث افزایش هزینه‌های وصول مالیات می‌شوند.

انجام می‌شوند و همین امر، فرار مالیاتی را تسهیل می‌کند. برای مقابله با این پدیده، استفاده از سیستم‌های هوشمند و تقویت شفافیت مالی می‌تواند به شناسایی و نظارت بر این فعالیت‌ها کمک کند.

تحلیل نتایج پژوهش نشان داد که کاهش فرار مالیاتی می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای در بهبود عملکرد اقتصادی کشور داشته باشد. با افزایش میزان وصول مالیات، دولت منابع مالی بیشتری در اختیار خواهد داشت که می‌تواند در پروژه‌های زیرساختی، خدمات عمومی و حمایت از کسب‌وکارهای مولد سرمایه‌گذاری کند. این امر نه تنها باعث توسعه اقتصادی کشور می‌شود، بلکه منجر به کاهش وابستگی دولت به منابع غیرپایدار مانند درآمدهای نفتی خواهد شد.

در نهایت، یافته‌های این تحقیق تأکید می‌کنند که اجرای سیاست‌های مناسب مالیاتی، توسعه سیستم‌های کشف هوشمند، ارتقای فرهنگ مالیاتی و کنترل اقتصاد غیررسمی، می‌تواند در افزایش درآمدهای مالیاتی و دستیابی به رشد اقتصادی پایدار نقش مهمی ایفا کنند. پیشنهاد می‌شود که دولت با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین و ایجاد زیرساخت‌های لازم، فرآیندهای مالیاتی را بهینه کرده و با کاهش فرار مالیاتی، مسیر توسعه اقتصادی کشور را هموار سازد.

پیشنهاد‌های کاربردی ذیل برای متغیرهای هوشمندسازی نظام مالیاتی و تأثیر آن بر افزایش درآمدهای مالیاتی و توسعه اقتصادی ارائه می‌گردد:

سیاست گذاری مناسب مالیاتی

در خصوص این متغیر پیشنهادات زیر مطرح می‌گردد:

- بازنگری در قوانین مالیاتی: لازم است تا قوانین و مقررات مالیاتی به‌طور دوره‌ای مورد بازنگری قرار گیرند تا با شرایط اقتصادی و اجتماعی روز هماهنگ باشند.
- شفاف‌سازی مقررات: ایجاد مقررات شفاف و قابل فهم برای همه‌ی مشمولین مالیات می‌تواند میزان تمکین مالیاتی را افزایش دهد.
- اجرای دقیق و مؤثر قوانین: اطمینان حاصل شود که قوانین به‌طور کامل و دقیق اجرا می‌شوند، تا فرصت‌های فرار مالیاتی کاهش یابد.

هوشمندسازی مالیاتی

- استفاده از فناوری‌های نوین: بهره‌گیری از فناوری‌هایی نظیر هوش مصنوعی و داده‌کاوی در سیستم مالیاتی برای شناسایی و تحلیل داده‌های مالیاتی.
- ارتقاء زیرساخت‌های دیجیتال: سرمایه‌گذاری در ارتقاء زیرساخت‌های دیجیتال برای بهبود دقت و سرعت سیستم‌های مالیاتی.

- همکاری با بخش خصوصی: مشارکت با شرکت‌های خصوصی برای کاهش هزینه‌های عملیاتی و ارتقاء کارایی فرآیند وصول مالیات.
- تقویت برنامه‌های توسعه‌ای: استفاده از منابع مالیاتی برای تقویت برنامه‌های توسعه‌ای و کاهش نابرابری‌های اقتصادی.

عدالت مالیاتی

- تدوین سیاست‌های مالیاتی منصفانه: ایجاد سیستم‌های مالیاتی که باری منصفانه بر تمامی گروه‌ها از جمله افراد و شرکت‌ها قرار دهد.
- رسیدگی به شکایات مالیاتی: ایجاد یک سیستم کارآمد و شفاف برای رسیدگی به شکایات و اعتراضات مالیاتی که به طور عادلانه مشکلات مودیان را بررسی کند.
- افزایش شفافیت در اخذ مالیات: ارتقاء شفافیت در سیستم مالیاتی به منظور اعتمادسازی و تقویت عدالت مالیاتی.

تمکین مالیاتی

- تشویق به پرداخت به موقع: اعمال تخفیف‌ها و مشوق‌های مالی برای افرادی که به موقع مالیات خود را پرداخت می‌کنند.
- افزایش نظارت: ارتقاء نظارت و پیگیری بر فعالیت‌های اقتصادی مودیان برای اطمینان از تمکین به قوانین مالیاتی.
- پیشگیری از تخلفات مالیاتی: تقویت سیستم‌های پیشگیرانه برای جلوگیری از تخلفات مالیاتی و بهبود تمکین مالیاتی.

افزایش درآمد مالیاتی

- تقویت سیستم‌های وصول مالیات: استفاده از سیستم‌های هوشمند برای بهبود فرآیندهای جمع‌آوری مالیات و افزایش درآمدهای مالیاتی.
- توسعه پایگاه داده‌های مالیاتی: گسترش و بهبود پایگاه‌های داده مالیاتی برای دستیابی به اطلاعات دقیق‌تر و کامل‌تر از مودیان.
- تشویق به تمکین مالیاتی: ایجاد مشوق‌هایی برای تشویق به پرداخت مالیات و کاهش فرار مالیاتی.

توسعه اقتصادی

- سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها: استفاده از درآمدهای مالیاتی برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی به منظور توسعه اقتصادی.
- حمایت از بخش‌های تولیدی: تخصیص منابع مالیاتی به حمایت از بخش‌های تولیدی که می‌توانند به رشد و توسعه اقتصادی کمک کنند.

سهم علمی پژوهش

- (۱) در شناسایی عوامل موثر بر کاهش فرار مالیاتی با استفاده از سیستم کشف هوشمند، محققان در ایران از روش داده بنیاد استفاده نکرده است.
- (۲) در این پژوهش، شرایط بومی ایران نیز لحاظ شده و مدل با توجه به این شرایط ارائه شده است. از ضعف‌های اصلی که این پژوهش آن را پوشش می‌دهد، تمرکز جامع بر عوامل موثر بر کاهش فرار مالیاتی در کشور و در نتیجه موجب توسعه اقتصادی است، درحالی‌که پژوهش‌های موجود بیشتر در حوزه ارتباط متغیرها مطرح شده و یا جامع نیستند.
- (۳) در این پژوهش، سعی شده از تجربیات اساتید، خبرگان، متخصصان و افراد بسیار مجرب در نظام مالیاتی کشور که تجربیات مدیریت عالی داشته و دارند بهره گرفته شود. با مصاحبه صورت گرفته با این افراد، این تجربیات امکان کدگذاری و ارائه شدن در این پژوهش را پیدا کردند.
- (۴) با توجه به مدل حاصل از پژوهش مشخص شد که فرهنگ مالیاتی و سهم بالای اقتصاد زیرزمینی به عنوان شرایط عام و خاص کشور تأثیر بسزایی بر فرار مالیاتی دارند.
- (۵) با توجه به نتیجه حاصل از پژوهش مشخص شد که عوامل کلان از جمله سیاست‌گذاری مناسب مالیاتی و همچنین هوشمندسازی مالیاتی عوامل اصلی کاهش فرار مالیاتی هستند.

فهرست منابع

- احمدی، وحیده، شهنازی، روح اله، اسلام‌لوییان، کریم، و صدرایی جواهری، احمد (۱۴۰۰). ارزیابی مدل‌های سنجش فرار مالیاتی از اقتصاد نئوکلاسیک تا اقتصاد رفتاری: رهیافت تحلیل سلسله مراتبی در اقتصاد ایران. برنامه ریزی و بودجه، ۲۶(۱)، ۱۱۵-۱۴۱.
- استراوس، ا. & کربین، ج. (۱۳۹۵). مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای (ا. افشار، Trans. چاپ پنجم ed). تهران: نشرنی.

- (2023). Tax Fraud Reduction Using Analytics in an East European Country. 12(3), 288.
- Scientific, L. L. J. J. o. T., & Technology, A. I. (2024). OPTIMIZATION OF SMART TAXATION USING ARTIFICIAL INTELLIGENCE: RISKS AND OPPORTUNITIES. 102(5).
- Shi, B., Dong, B., Xu, Y., Wang, J., Wang, Y., & Zheng, Q. J. E. S. w. A. (2023). An edge feature aware heterogeneous graph neural network model to support tax evasion detection. 213, 118903.
- Siraj, F. A., Sudaryono, E. A., Aryani, Y. A., Setiawan, D. J. I. J. o. M., & Understanding, M. (2024). Literature Review: Smart Tax Evasion Strategies in Indonesia. 10(12), 562-576.
- Xavier, O. C., Pires, S. R., Marques, T. C., & Soares, A. d. S. J. R. d. A. P. (2022). Tax evasion identification using open data and artificial intelligence. 56, 426-440.
- Yalamati, S. J. T. o. L. T. i. A. I. (2024). Impact of Artificial Intelligence in supervision of enterprises reduce tax avoidance. 5.(۵)
- صامتی، م، و ایزدی، ا، و فتحی، س. (۱۴۰۰). تعیین عوامل مؤثر بر فرار مالیاتی با استفاده از روش فرا تحلیل. اقتصاد باثبات و توسعه پایدار، ۲(۲)، ۱-۲۲.
- شفیعی، علی، & تات، سارا. (۱۳۹۹). روش تحقیق در مدیریت. (چاپ دوم)، انتشارات بازاریابی، تهران.
- محمدپور، ا. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش (ویرایش دوم ed). تهران: جامعه شناسان.
- Alsadhan, N. J. C. S. S. E. (2023). A Multi-Module Machine Learning Approach to Detect Tax Fraud. 46(1), 241-253.
- Anggareni, I. N., Mujiyati, M. J. I. J. o. E., & Research, M. (2024). The Effect of Understanding Taxation, Justice, Discrimination, Tax Rates, Taxation Systems, Tax Sanctions on Student Perceptions of Tax Evasion. 3(2), 30-50.
- Bani-Mustafa, A., Nimer, K., Uyar, A., & Schneider, F. J. I. J. o. P. A. (2024). Effect of government efficiency on tax evasion: the mediating role of ethics and control of corruption. 47(2), 90-105.
- Gaie, C. (2023). Struggling Against Tax Fraud, a Holistic Approach Using Artificial Intelligence. In Recent Advances in Data and Algorithms for e-Government (pp. 87-102): Springer.
- Hashemi, M., Etemadi, H., & Rezazadeh, J. (2022). Modeling Tax Evasion in Value Added Tax, A Game Theory Approach %J Journal of Tax Research. 30(55), 0-0. doi:10.52547/taxjournal.30.55.2
- Mojahedi, H., Babazadeh Sangar, A., & Masdari, M. (2022). Towards Tax Evasion Detection Using Improved Particle Swarm Optimization Algorithm. Mathematical Problems in Engineering, 2022, 1027518. doi:10.1155/2022/1027518
- Murorunkwere, B. F., Tuyishimire, O., Haughton, D., & Nzabanita, J. J. F. I. (2022). Fraud detection using neural networks: a case study of income tax. 14(6), 168.
- Nembe, J. K., Atadoga, J. O., Mhlongo, N. Z., Falaiye, T., Olubusola, O., Daraojimba, A. I., . . . Journal, A. R. (2024). The role of artificial intelligence in enhancing tax compliance and financial regulation. 6(2), 241-251.
- Nuryani, N., Mutiara, A. B., Wiryana, I. M., Purnamasari, D., & Putra, S. N. W. J. A. T. o. T. (2024). Artificial Intelligence Model for Detecting Tax Evasion Involving Complex Network Schemes. 6(3), 339-356-339-356.
- Ogunwole, A. E., Adebayo, A. M., & Jimoh, S. A. J. K. J. o. S. S. (2023). Illicit Financial Flows, Trade Misinvoicing and Multinational Tax Avoidance: Exploratory Approach. 8(4), 7-16.
- Ruzgas, T., Kižauskienė, L., Lukauskas, M., Sinkevičius, E., Frolovaitė, M., & Arnastauskaitė, J. J. A.



Accounting Knowledge & Management Auditing

Vol. 16/ No. 64/ Winter 2027

Smartening the tax system and its effect on increasing tax revenues and economic development

Narjes Akbari

PhD student in Accounting, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Arefeh Mohaghegh

Assistant Professor, Department of Accounting, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Reza Ziyari

Assistant Professor, Department of Accounting, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Samaneh Ghods

Assistant Professor, Department of Mathematics, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran

Abstract

Smartening the tax system is one of the effective ways to increase tax revenues and economic development. In this research, using the qualitative method of the database, the smartening of the tax system and its effect on increasing tax revenues and economic development have been used. Research data was collected through interviews with fourteen professors and experts of the country's tax system with at least 15 years of work experience and master's and doctorate degrees. The results of the data analysis showed that ten main categories have been identified in this area and have been arranged in the form of six structural dimensions: appropriate tax policy and tax intelligence as "causal conditions" Tax culture as "intervening conditions", high share of underground economy as "background conditions", reduction of collection cost, tax justice and tax compliance as "interactive dimension", reduction of tax evasion as "central phenomenon" and increase of tax income and economic development as "consequence dimension". Also, the findings showed that the variables of appropriate tax policy, tax intelligence and tax culture have the greatest effect on improving the performance of the tax system. This research emphasizes that the use of intelligent systems in tax processes can lead to the reduction of tax evasion, increase of tax compliance and ultimately sustainable economic development.

Keywords: Tax intelligence, tax evasion, intelligent detection, economic development, tax policy.

